

بازگشت شاخص امنیت سرمایه‌گذاری به دوران اوج برجام

صفحه ۱۶

فستیوال موسیقی مردمی «کوچه»
مورد توجه اهالی فرهنگ و رسانه‌ها قرار گرفته است

به کوچه‌های بوشهر گوش دهید

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید را با موضوع:
روایت سال‌های جنگ



شماره مسلسل ۲۸۷۷
مستقیماً ۸ اسفند ۱۴۰۲
۱۷ شهریور ۱۴۴۵
۲۷ فوریه ۲۰۲۴
شماره ۲۰۸۹



بررسی‌های «فرهیختگان» نشان می‌دهد حدود ۱۰۰ کرسی انتخاباتی مجلس در حوزه‌های غیرتهران به شکل جدی رقابتی است

فراکسیون اقلیت قوی در راه است؟

«فرهیختگان» از شاخص جهانی فین تک اسلامی گزارش می‌دهد

۸۵ درصد حجم بازار
در دست ۶ کشور

۶

درباره پدیده عجیبی که برای دیده شدن هرکاری ممکن است انجام دهد
حتی گفت‌وگوی خیالی

ساسی شو

۱۳

درباره طرحی که بعد از ۲۰ سال هنوز سردرگم است

چه کسی پزشک خانواده را کشت

۷

محور مقاومت و بازدارندگی شکست خورده آمریکا در منطقه



میراحمدرضا مشرف
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

یادداشت

روز سه‌شنبه هفته گذشته یک بار دیگر تلاش‌ها در شورای امنیت برای توقف جنگ در غزه با وتوی قابل پیش‌بینی آمریکا ناکام ماند. از زمان آغاز یورش رژیم صهیونیستی به غزه این چندمین بار است که واشنگتن برای دفاع از رژیم تل‌آویو از اعتبار و حیثیت خود در سازمان ملل و شورای امنیت هزینه کرده و مانع برقراری آتش‌بس و خاتمه جنایات و نسل‌کشی در غزه می‌شود. اما اگرچه این اقدامات ایالات متحده در حمایت از رژیم صهیونیستی ظاهراً موفق بوده و مانع از هرگونه اقدام جمعی بین‌المللی علیه این رژیم شده اما بدون شک همین همراهی و همکاری با جنایات صهیونیست‌ها تبعات سنگین برای موقعیت آمریکا در منطقه خاورمیانه و حتی در جهان به دنبال خواهد داشت. در همین راستا «اندیشکده افکار» وابسته به شورای خاورمیانه در روابط جهانی اخیراً مقاله‌ای به قلم «عمر رحمان» تحلیلگر برجسته عرب منتشر کرده که به موضوع تبعات اقدامات و عملکرد آمریکا در خاورمیانه و احتمال اجتناب‌ناپذیر بودن وقوع یک جنگ وسیع در منطقه پرداخته است. آنچه در مطلب ذیل می‌آید ترجمه این تحلیل البته با اندکی تلخیص است.

خطر وقوع یک جنگ منطقه‌ای وسیع

از ماه اکتبر تاکنون خاورمیانه به جنگی که شاید هیچ‌گاه قبلاً آن را تجربه نکرده باشد، نزدیک‌تر شده است. درحالی‌که در طی ۷۵ سال گذشته خصومت‌های مسلحانه فراوانی ازجمله میان بازیگران متعدد دولتی و غیردولتی به وقوع پیوسته، دامنه درگیری این بار به قدری گسترش یافته است که خطر فراگیر شدن در سراسر منطقه را به همراه دارد؛ رخدادی که بی‌سابقه و بی‌نهایت خطرناک جلوه می‌کند. اگرچه ناآرامی‌های اخیر به‌طور اجتناب‌ناپذیری با تخریب مداوم نوار غزه توسط اسرائیل مرتبط است اما نقاط اشتعال در فواصل دورستی از جنوب تا دریای سرخ پراکنده شده‌اند. درگیری نظامی فزاینده میان ایالات متحده و شبه‌نظامیان در عراق و سوریه، این دو کشور را که در حال حاضر نیز در نتیجه چندین دهه جنگ‌های پیشین ویران شده‌اند، در خط مقدم جنگ دیگری قرار داده است. جالب اینجاست که به نظر می‌رسد تعداد کمی از بازیگران خواهان یک حریق منطقه‌ای تمام‌عیار هستند. با این وجود این حرکت هنوز در حال شتاب‌گیری است، آن هم عمدتاً به دلیل رویکرد نادرست واشنگتن که همچنان به منبع مناقشه - تاخت و تاز اسرائیل در غزه - دامن می‌زند و در عین حال تلاش می‌کند تا آتش‌سوزی در دیگر نقاط منطقه را با تکیه بر نیروی نظامی مهار کند.

آنا تومی جنگ خاورمیانه

در روز ۷ اکتبر حماس تهاجمی را به اسرائیل آغاز کرد و اسرائیل

با یک جنگ تمام‌عیار و محاصره کامل غزه پاسخ آن را داد. طی ماه‌های بعد و همان‌طور که کشتار به سطوح غیرقابل‌تصویری رسیده است، طرف‌های دیگر نیز به این نزاع کشیده شده‌اند. اول و مهم‌تر از همه ایالات متحده است که در عرض چند روز دو ناو هواپیمابر خود را به شرق مدیترانه فرستاد. آمریکا مدعی شد که این اقدام برای بازداشتن دیگر بازیگران از حمله به اسرائیل انجام می‌گیرد؛ مادامی که اسرائیل در حال از بین بردن حماس است. در درجه اول مقصد حزب‌الله بود که تقریباً بلادرنگ یک جبهه با شدت متوسط را در مرز لبنان و اسرائیل گشود. جبهه‌ای که همچنان منبعی برای تشدید تنش‌ها محسوب می‌شود. با این حال ایالات متحده با توسعه حمایت بی‌قید و شرط نظامی و اطلاعاتی، کمک مالی، تسلیحات و ایجاد پوشش دیپلماتیک برای اسرائیل، حمله ویرانگر متحد خود علیه غزه و مردمش - تهاجمی که دیوان دادگستری بین‌المللی به‌طور موجهی آن را یک نسل‌کشی در حال وقوع دانسته است - را امکان‌پذیر و طولانی‌تر کرده و باعث تشدید تنش در منطقه شده است. علاوه بر این ایالات متحده نیروی نظامی خودش را در رویارویی مستقیم با نیرویی که با نام «محور مقاومت» شناخته می‌شود، قرار داده است. این محور صف‌بندی از گروه‌هایی در سراسر منطقه است که به ایران وابسته بوده یا از آن حمایت می‌کنند. همچنان که خشم عمومی نسبت به جنایات اسرائیل علیه مردم فلسطین رو به افزایش است، این نیروها به روش‌های مختلف مداخله کرده‌اند و هم خطرات برای منطقه و هم هزینه‌های حمایت بی‌قید و شرط آمریکا از اسرائیل را بالا برده‌اند.

حزب‌الله یک نمونه از این گروه‌هاست که با گشایش یک جبهه در مرز لبنان، اسرائیل را مجبور کرد تا بیشتر مراکز جمعیتی شمال خود را تخلیه و منابع نظامی قابل ملاحظه‌ای را به آنجا ارسال کند. در ماه نوامبر نیز جنبش حوثی مستقر در یمن شروع به هدف قرار دادن کشتی‌های تجاری در دریای سرخ کرد که ظاهراً با اسرائیل در ارتباط بودند؛ موضوعی که یک مسیر تجاری کلیدی جهانی را مورد تهدید قرار داد و ایالات متحده را وادار به انجام واکنش دریاپی کرد. نیروهای شبه‌نظامی در عراق و سوریه نیز به‌طور قابل ملاحظه‌ای آزار و اذیت طولانی‌مدت تاسیسات نظامی آمریکا در هر دو کشور را تشدید کردند. در شرایطی که ایالات متحده و متحدانش کوشش به خرج داده‌اند تا این نقاط اشتعال را به نحوی جدا از کارزار نظامی اسرائیل نشان دهند اما در منطقه چنین برداشتی مشاهده نمی‌شود و نیروهای مقاومت تأکید داشته‌اند که تنها پس از برقراری آتش‌بس در غزه عقب‌نشینی خواهند کرد.

اهمیت افکار عمومی

از ۷ اکتبر تاکنون خشم و نارضایتی نسبت به اقدامات اسرائیل در غزه و همچنین در قبال تصمیم غرب برای حمایت از این اقدامات افزایش یافته است. این موضوع به دلایلی چند مهم است که یکی از آنها تأثیر بر نگرش‌های عمومی نسبت به

مشروعیت ایالات متحده، اسرائیل و کشورهای عربی همسو با آنهاست. در این میان بدون تردید جایگاه ایالات متحده به شدت دچار آسیب شده است. براساس یک نظرسنجی که در ماه دسامبر و ژانویه و در ۱۶ کشور عربی توسط مرکز عربی مستقر در دوحه انجام شده، حدود ۹۴ درصد از پاسخ‌دهندگان دیدگاهی منفی نسبت به واکنش واشنگتن در قبال جنگ اسرائیل و غزه داشته‌اند. این احساسات به متحدان منطقه‌ای آمریکا هم تعمیم می‌یابد؛ همان کسانی که به نظر می‌رسد در حوزه دفاع از غزه در مقایسه با نیروهای مرتبط با ایران کار بسیار کمی انجام داده‌اند. این موضوع با توجه به رقابت طولانی مدت میان این اردوگاه‌ها در جهت نفوذ در منطقه، ملاحظه‌ای مهم تلقی می‌شود. براساس نظرسنجی بارومتر عرب در تونس که در هفته‌های قبل و بعد از ۷ اکتبر انجام گرفته و به‌عنوان یک شاخص منطقه‌ای در نظر گرفته می‌شود، کشورهایی که در این پیمایش روابطی مثبت یا گرم با اسرائیل داشته‌اند، شاهد تنزل رتبه‌های مطلوب پیشین خود بوده‌اند، حال آنکه رتبه‌های رهبری ایران افزایش یافته است. در این راستا محبوبیت علی خامنه‌ای، رهبر عالی ایران [در حوزه کشورهای عربی] با محبوبیت رهبران سعودی و امارات متحده عربی برابری یافته یا حتی از آنها پیشی گرفته است. در نظرسنجی انجام‌گرفته از سوی مرکز عرب، ۵۰ درصد از افراد شرکت‌کننده پاسخ ایران به جنگ اسرائیل در غزه را مثبت ارزیابی کرده‌اند؛ رقمی که در صدر همه کشورهای مورد بررسی قرار داشته است. از سوی دیگر واکنش امارات متحده عربی تنها ۲۰ درصد مثبت ارزیابی شده و عربستان سعودی نیز با اندکی تفاوت در موقعیت مشابهی قرار گرفته است.

در چنین وضعیتی جای تعجب ندارد که شرکای منطقه‌ای آمریکا پس از واقعه ۷ اکتبر خود را از ایالات متحده دور نگاه داشته و حتی با ایران به‌منظور جلوگیری از تشدید تنش، هماهنگ شده‌اند. برخی از این کشورها حاضر شده‌اند تا استفاده آمریکا از پایگاه‌های نظامی داخل خاک خود را که می‌توانست برای حمله به نیروهای محور مقاومت مورد استفاده قرار گیرد، محدود کنند. زمانی که ایالات متحده دست به بسیج یک ائتلاف علیه حوثی‌ها زد، به‌رغم تأثیری که حملات حوثی‌ها بر اقتصاد کل منطقه بر جای می‌گذاشت، تنها بحرین بود که به این ائتلاف ملحق شد. در واقع کشورهای منطقه نه‌تنها مشتاق آن بودند که به‌عنوان پوششی برای اسرائیل دیده نشوند، بلکه به دلیل امکان فرار گرفتن در زمره اهداف محور مقاومت، از پیوستن به ایالات متحده هراس نشان دادند. این امر ایالات متحده و دیگر قدرت‌های غربی را به‌شدت در منطقه دچار انزوای می‌کند.

استراتژی بازدارندگی شکست‌خورده آمریکا

این امری منطقی است که آمریکا احساس می‌کند ملزم به پاسخگویی به اختلالات در تجارت جهانی یا حمله به تاسیسات نظامی و اطلاعاتی خود است. اما در پس زمینه بزرگ‌تر نسل‌کشی در غزه، تلاش‌های ایالات متحده برای خاموش کردن ناآرامی‌های

از نیروی مرگبار استفاده می‌کنند، آن هم در شرایطی که سعی دارند تا از یک جنگ تمام‌عیار پرهیز داشته باشند. با این همه و با توجه به بازیگران زیادی که در جهات فراوان درگیر هستند، در واقع با امکان تشدید تنش‌ها تنها یک قدم فاصله داریم.

غزه‌ای که همچنان می‌سوزد

بنیامین نتانیاهو و وزرای راست افراطی در کابینه اش، تنها بازیگرانی هستند که به شکل حق‌به‌جانبی به تشدید تنش می‌اندیشند. نخست‌وزیر اسرائیل که به دلیل حملات ۷ اکتبر به شدت بی‌اعتبار شده، علاقه‌مند است تا جنگ را تا حد ممکن ادامه دهد تا بدین ترتیب مانع از حساسی مردم در رابطه با شکست‌هایش شود. از این منظر می‌توان ترورهای اخیر اسرائیل علیه شخصیت‌های متخاصم در لبنان و سوریه را درک کرد؛ طرحی به‌منظور تحریک تشدید تنش‌ها و حتی درگیری ساختن ارتش آمریکا که البته می‌تواند به هدفی تلافی‌جویانه تبدیل شود. بسیار محتمل است که نتانیاهو بر این اعتقاد باشد که رستگاری او می‌تواند در سایه رهایی اسرائیل از یک منبع آزار و خشونت ده‌ها ساله - نواز غزه - محقق شود. به این منظور به نظر می‌رسد که لشکرکشی اسرائیل با مقصد نابودی فرصت و عرصه‌ای برای پیشبرد این هدف فراهم می‌کند. سرانجام اینکه نیروهای مقاومت می‌دانند که واشنگتن از ورود به یک درگیری عمده نظامی دیگر در خاورمیانه بیزار است، به‌ویژه بعد از ده‌ها درگیری بی‌ثمری که داشته است. بنابراین آنها دست به این محاسبه‌گری می‌زنند که بعید است با یک رویارویی تمام‌عیار با ارتش ایالات متحده مواجه شوند، همان‌موردی که آنها نیز به دنبال اجتناب از آن هستند. کارزار محدود حملات هدفمند ایالات متحده قابل تحمل است و بعید به نظر می‌رسد که آنها را وادار به تسلیم کند. بایدن هم این موضوع را پذیرفته است، چنانکه وقتی در ژانویه مخاطب پرسش یک خبرنگار در رابطه با کارآمدی حملات آمریکا به حوثی‌ها در یمن قرار گرفت، پاسخ داد: «وقتی شما می‌گویید موثر است، یعنی آیا آنها حوثی‌ها را متوقف می‌کنند؟ نه، پس آنها ادامه می‌دهند؟ بله.» این اظهارنظر ساده، هم معضل و هم بی‌روایی سیاست فعلی آمریکا را آشکار می‌کند.

دزنیات نتیجه یک رقص با تزلزل بوده که در آن هر دو طرف

انا لله و انا الیه راجعون

درگذشت آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی را به جامعه علمی کشور خصوصاً همکارانم در دانشگاه آزاد اسلامی، شاگردان و مستفیدان و به‌ویژه خانواده ایشان تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم. آن استاد ارجمند سال‌های متمادی در کسوت عضویت هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی منشأ خدمات ارزشمندی بودند. از خداوند متعال رحمت واسعه برای آن مرحوم و صبر و اجر برای بازماندگان خواستارم.

محمد مهدی طهرانچی
رئیس دانشگاه آزاد اسلامی